شهرآرا
روزنامه شهرامید وزندگی
SHAHRARAONLINE.IR
۳شنبه
۲۸ اسفند ۱۳۹۷
۱۲ رجب ۱۴۴۰
شماره ۲۷۹۲
۱۲
اندیشه و هنر

آوازخوان شوریده‌حال

یادداشتی به مناسبت سالگرد درگذشت استاد «نورمحمددر پور»

حسینعلی مردانشاهی* |

ویژگی منحصربه فرد استاد نورمحمد درپور در نحوه ادای آواهایی است که ابیات با آن‌ها شروع می‌شود. آواها و لحن‌هایی که پیش از استاد، در موسیقی خراسان و تربیت‌جام شنیده نشده بود. دلیل این ویژگی ارتباط استاد درپور با حلقه‌های ذکر و عرفانی منطقه تربت‌جام بود. از آنجایی که امکان ورود ساز به آن حلقه‌ها وجود نداشت، اعضا ذکرها را به صورت آواز اجرا می‌کردند که بر اجرای موسیقی استاد درپور تأثیر خودش را گذاشت. از این رو حضور استاد درپور در این حلقه‌ها و سبک زندگی عرفانی ایشان باعث شد تا شاهد یک‌سری آوازهای بداهه خاص باشیم. در واقع این حال و هوای عرفانی در اجرای موسیقایی استاد متبلور شده است.

استاد درپور در حالت عادی هم که از مراحل ذکر صحبت می‌کرد، حالش منقلب می‌شد و همین حال و هوای عرفانی او باعث شده بود تا او آوازخوانی شوریده باشد تا استادی که صرفا تکنیک اجرا می‌کند. علاوه بر این‌ها سبک آوازی درپور نیز خاص بود. او آوازش را در حالت «چپ‌کوک» یا به اصطلاح آوازی، «بالا» می‌خواند. این سبک در کنار آن حال و هوا، فرمی از آواز را در موسیقی خراسان و تربت‌جام به وجود آورد که نتیجه آن آواز خاص استاد نورمحمد درپور است.

گرچه نباید از این موضوع غافل باشیم که بزرگان موسیقی خراسان هرکدام سبک خودشان را داشتند؛ مثلا روش آواز استاد پورعطایی اجرایی بسیار تکنیکی و کوبنده بود. استاد کرمی، استاد شریف‌زاده و استاد غفاری نیز به همین ترتیب سبک خودشان را داشتند که در میان آن‌ها فرم آواز استاد درپور در لحن و بیان آواها خاص و منحصربه فرد است.نکته‌ای که در اینجا اهمیت می‌یابد، نحوه پیروی نسل جوان از این سبک‌هاست. جوان‌ها باید علاوه بر شنیدن آوازهای استادان بزرگ، حال و هوای آن‌ها را درک کنند ؛ مثلا درپور بر اساس چه حس و حالی «هی هی»ها و یا «ا...»ها را به آن شیوه خاص می‌خوانده؟ اگر جوانان بتوانند سبک زندگی بزرگان را درک کنند، در کنار حظی که از تکنیک استاتید می‌برند، مزه ناب آوازهای آن‌ها را نیز می‌چشند.

*پژوهشگر موسیقی مقامی

به عادت قدیم، آتشی عظیم افروختند...

پیشینه چهارشنبه‌سوری، آیینی که به بیراهه رفت

یادداشت شفاهی

آیین چهارشنبه‌سوری یکی از ۵ جشنی است که در ۵ روز آخر سال در ایران‌زمین برگزار می‌شده است. در ایران باستان تقسیم‌بندی روزها فارغ از این نام‌گذاری هفتگیِ رایج بوده است؛ چنان‌که کَسی روزها را به شنبه و یکشنبه و ... نمی‌شناخت و نام‌گذاری‌ها به این ترتیب بود که برای هر روز از سی روز برج، یک اسم وجود داشت. روز اول: اورمزد، روز دوم: بهمن، روز سوم: اردیبهشت، روز چهارم: شهریور، روز پنجم: سپندارمذ، روز ششم: خرداد، روز هفتم: امرداد و .... از این رو اگر می‌خواستند تاریخی ارائه کنند، مثلا می‌گفتند بهمن‌روز از دی (دوم دی‌ماه)، رام‌روز از مهر (بیست‌ویکم مهرماه)، مهرروز از فروردین (شانزدهم فروردین‌ماه) و ... . گاه‌شماری ایران باستان از دقت بسیاری برخوردار بود اما درعین‌حال با این محاسبه، تقویم ایرانی ۳۶۰ روز داشت. برای اینکه ۵ روز آخر سال که در گاه‌شمارها نبود فراموش نشود، جشن‌های دسته‌جمعی و سراسری برگزار می‌کردند. باوری کلی و خرافی وجود داشته است که این ۵ روز خارج از تقویم است و آن را به نوعی بی‌نظمی در طبیعت و جهان می‌دانستند. علاوه بر این جشن‌های پنج‌گانه، رسوم دیگری هم ایجاد شده بود که از آن‌ها تبعیت می‌کردند. یکی از آن رسوم این بود که پادشاهان در آن ۵ روز که به پنجه (در عربی «خمسه مسترقه») و در پهلوی «بهیزک» یا «وَهیچک») شناخته می‌شده است، از حکومت کنار می‌رفتند و فردی که احتمالا دانا و بخرد هم نبوده به‌جای پادشاه بر تخت می‌نشست که بلاهایی که در این ۵ روز از آسمان نازل می‌شده است، متوجه پادشاه نشود.

چنان‌که اشاره شد، در این ۵ روز جشن‌های متعددی برگزار می‌شده است که یکی از آن‌ها آیین سوری به معنای سور و جشن بود. در تاریخ بخارا برای نخستین‌بار از این جشن یاد شده است. در آنجا آمده است: «... سال تمام نشده بود که چون شب سوری، چنان‌که عادت قدیم است، آتشی عظیم افروختند...» می‌بینیم که اسمی از چهارشنبه درمیان نیست. این مراسم و مناسبت تا پیش از حضور اعراب مسلمان در ایران ادامه دارد. «ایام سبعه» (یا همان هفته) بعد از ورود و حکومت اعراب بر ایران رواج پیدا کرده است. ایرانی‌ها با همه اقوامی که به فلات ایران می‌آمدند، سازگاری داشتند؛ چنان‌که بومیان فلات ایران از آریایی‌هایی که پیش از اعراب از سیبری به این سرزمین آمدند، تأثیر گرفته بودند. مثلا عدد ۷ که برای آریایی‌ها مقدس بود، پس از آمدن آن‌ها به ایران در این سرزمین نیز مورد توجه قرار گرفت و در مواردی چون سفره هفت‌سین به کار رفت.

ایرانیان پس از ورود اعراب متأثر از فرهنگ آن‌ها که طبق باوری خرافی روز چهارشنبه را روز نحس یا «یوم الارباع» می‌خواندند، این روز را نحس و نامبارک می‌دانستند.

امیر الهامی
پژوهشگر ادبیات و مدرس دانشگاه

از همین رو در چهارشنبه آخر سال گرد هم جمع می‌شدند و با برافروختن آتش و برپایی جشن بر اتحاد خود می‌افزودند. چراکه ایران‌زمین از اقوام و مذاهب مختلف میزبانی می‌کرده و برپایی این جشن‌ها موجب فزونی اتحاد آن‌ها می‌شده است. در این آیین هیچ نشانی از «توتم‌پرستی» یا «شمن‌باوری» وجود ندارد. ایرانیان آتش را موهبتی از خداوند و نماد پاکی و نشانه ایزدی دانسته‌اند که به زندگی گرما و روشنایی داده است. همانند ادیان ابراهیمی که نور را مترادف هدایت می‌دانستند، در باورهای ایرانی نیز آتش موهبتی از سوی خداوند برای هدایت و روشنایی زندگی افراد دیده می‌شده است. جشن سوری جشنی چون دیگر جشن‌های ایران باستان بوده است و در آن آتش مظهر نعمت الهی و محترم بوده است. پریدن از روی آتش پدیده‌ای است که در دهه‌های اخیر رواج یافته است و درواقع با نگاه ایرانیان باستان نوعی بی‌احترامی به این موهبت و نعمت الهی است.

نکته دیگری که می‌توان گفت، این است که پیش از اسلام افروختن آتش در جشن سوری برای استقبال از ارواحی بود که از هر خانه‌ای به آسمان رفته بودند. در گذشته معتقد بودند ارواح اموات در آن شب به خانه‌شان باز می‌گردند. از این رو به یاد این «فره‌وشی‌ها» بر بلندای بام منازلشان آتش می‌افروختند و از آن‌ها استقبال می‌کردند. به این کار مجازا «چراغانی» می‌گفتند. در نقاطی از خراسان مانند بیرجند، فردوس، کاشمر و ... که جشنی برگزار می‌شود، از همین لفظ چراغانی استفاده می‌شود. می‌گویند که: «امشو چراغو درم.» مراد این است که امشب جشنی در منزلشان برپاست. آیین چراغ‌برات که طی آن در آخر سال به زیارت اهل قبور می‌روند هم انشعابی از همین آیین است. «قاشق‌زنی»، «فال‌کوزی»، «فال‌گوش» و ... از بازی‌هایی بود که عامه مردم در شب‌های ۵ روز آخر سال انجام می‌دادند و خودشان را برای سال نو که آغاز فصل کار و کشاورزی بود، آماده می‌کردند. همین خرده‌جشن‌ها در کنار جشن سوری و حضور آتش به عنوان نعمت الهی در این جشن و نیز اجتماع مردم و برگزاری مراسم در آخرین روزهای سال باعث شده است که این آیین با وجود همه تغییرها همچنان پابرجا باشد.

در اینکه ریشه این شب در جشن و شادمانی است، شکی نیست؛ چراکه سور به معنای جشن است. یکی دیگر از معانی سور، سرخی است. هنوز در مناطقی از ایران مانند نجف‌آباد اصفهان این شب را «چهارشنبه‌سرخی» می‌نامند. همچنین سور و «سهر» از یک ریشه است؛ چنان‌که در شاهنامه آمده است: چو خندان شد و چهره شاداب کرد /ورا نام تهمینه سهراب کرد. این‌ها نشان می‌دهد ریشه این کلمه هم در جشن و شادی است.

راهکاری برای ارتقای نمایش

طرح یکپارچه‌سازی آموزش تئاتر در خراسان رضوی اجرا می‌شود

نگار رادا| روز گذشته آخرین نشست خبری اداره کل ارشاد اسلامی خراسان‌رضوی با دو محور برگزار شد. بخش اول این نشست به برپایی تئاتر کارگاهی اختصاص داشت. آرش خیرآبادی رئیس انجمن هنرهای نمایشی استان خراسان در این بخش به آغاز طرح یکپارچه‌سازی آموزش تئاتر در سطح استان اشاره و جزئیات این طرح را اطلاع‌رسانی کرد. بخش دوم نیز مربوط به برگزاری جشنواره تئاتر استانی اندیشه مطهر بود. این جشنواره به دبیری عبدا... برجسته قرار است اردیبهشت‌ماه ۹۸ در شهر فریمان برگزار شود. جعفر مروارید، مدیرکل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان‌رضوی نیز در آخرین نشست خود در سال ۹۷ درباره دو رویداد پیش روی تئاتر استان توضیحاتی را ارائه کرد.

آموزشی برای هنرجویان و مدرسان

به گفته آرش خیرآبادی، رئیس انجمن هنرهای نمایشی طرح بزرگ جامع آموزش تئاتر در استان خراسان طرح یکپارچه‌سازی آموزش تئاتر در استان را شامل می‌شود و قرار است در انجمن‌های شهرهای مختلف استان که زیر پوشش انجمن هنرهای نمایشی خراسان‌رضوی هستند، با یک طرح درس به اجرا دربیاید.

او با بیان آنکه آموزش‌ها برای هر دو گروه هنرجوها و مدرسان است، درباره این طرح توضیح داد: در این طرح درس سعی شده است از آموزشگاه‌های مجوزدار تئاتر استان استفاده کنیم. بر این اساس شهرهایی که دارای آموزشگاه مجوزدار هستند، یک یا دو آموزشگاه با انجمن تفاهم‌نامه امضا می‌کنند و در شهرهای فاقد آموزشگاه نیز به‌طور مستقیم انجمن هنرهای نمایشی متصدی و متولی آموزش تئاتر خواهد شد.

رئیس انجمن هنرهای نمایشی شیوه آموزش مدرسان را این‌گونه شرح داد: در سال آینده به رؤسای انجمن های نمایشی شهرستان‌ها درخواست خواهیم داد تا ۳ نفر از مدرسان با تجربه خود را که تحصیلات تئاتر هم دارند، به ما معرفی کنند. این افراد بعد از گذراندن مراحل قانونی و نظارتی تحت آموزش کارگاهی مدرسان تهرانی قرار خواهند گرفت. به گفته او در بخش آموزش هنرجویان نیز در یک‌سال آینده آموزشگاه‌ها با همین سطح مدرسین هنرجو خواهند پذیرفت اما بعد از یک‌سال باید از انجمن هنرهای نمایشی تأییدیه سطح علمی و تدریس داشته باشند: «برای این طرح ۴ ترم در نظر گرفته‌ایم که در ۲ ترم اول جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، ادبیات و فلسفه درکنار دروس تخصصی چون سبک‌های بازیگری، تاریخ تئاتر جهان و ایران، تکنیک‌های بازیگری، بدن و بیان و حرکت تدریس می‌شود و در ۲ ترم بعد دروس تخصصی همراه با کارگاه عملی برگزار می‌شود. در پایان ترم چهارم نیز هنرجویان برای اجرای نمایش کارگاهی آماده می‌شوند.» در تکمیل صحبت‌های رئیس انجمن هنرهای نمایشی استان، جعفر مروارید مدیرکل ارشادی نیز بر ضرورت توجه به آموزش در تئاتر تأکید کرد و گفت: درحالی که گروه تئاتر مشهد قطب دوم تئاتر ایران است و ما علاوه بر حضور استعدادها، ظرفیت کامل در تئاتر خراسان داریم اما همواره با یک حلقه مفقوده به نام نظام جامع آموزش تئاتر رو به‌رو بوده‌ایم. از این‌رو با تدبیر رئیس انجمن هنرهای نمایشی استان طرح آموزش جامع تئاتر طراحی شد و قرار است با شروع سال آینده به اجرا دربیاید.

جشنواره‌ای برای شهید مطهری

جشنواره تئاتر اندیشه مطهر دیگر موضوع این نشست خبری بود. به گفته مروارید این جشنواره با محوریت نگاه به مفاهیم دینی و اندیشه‌های راه‌گشایی که در آثار شهید مطهری وجود دارد، برگزار می‌شود. بر این اساس آثار شهید مطهری قرار است درون‌مایه و منابع نمایش‌نامه‌های جشنواره اندیشه مطهر باشند.

عبدا... برجسته، دبیر اجرایی جشنواره نیز درباره این رویداد توضیح داد: از آنجا که منبع نمایشی مربوط به آثار شهید مطهری وجود نداشت، ما به ۱۲ نویسنده مطرح استان پیشنهاد دادیم که در این زمینه نمایش‌نامه بنویسند تا ما بدون اسم در اختیار گروه‌ها قرار دهیم. بر این اساس ۵۷ نفر متن نمایش‌نامه خود را انتخاب کردند که ۳۷ نفر از مشهد و بقیه از شهرستان‌ها بودند.

به گفته برجسته درنهایت با انجام بازبینی ۱۲ گروه برای اجرا در جشنواره انتخاب می‌شوند.

جشنواره اندیشه مطهر ۸ تا ۱۱ اردیبهشت‌ماه ۹۸ در فریمان برگزار می‌شود.

یادداشت

طرح سبز آموز

در حالی که روزبه‌روز چالش‌ها و مشکلات محیط‌زیست به‌ویژه در کلان‌شهرها و نقاط با تمرکز جمعیتی شدت می‌گیرد، موضوع آمادگی و فراهم کردن سازوکار برای مهار این تنش‌ها، در مدیریت شهری از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود و در این میان، بحث آموزش شهروندان و افزایش مهارت‌هایی که به حفاظت از محیط‌زیست و کاهش تخریب آن منتهی شود، از مهم‌ترین اقدامات زیربنایی به شمار می‌رود. کودکان و نوجوانان از مهم‌ترین گروه‌های جامعه هستند که اگر در معرض آموزش‌های صحیح و مناسبی قرار بگیرند، در آینده تبدیل به شهروند مطلوب شده و نسبت به محیط‌زیست و سلامت چرخه طبیعت آگاهی و دانش بیشتری خواهند داشت که درنهایت باعث تغییر رفتار در آن‌ها می‌شود. این افراد در آینده می‌توانند تشویق و ترغیب‌کننده سایر افراد جامعه نسبت به این امر باشند.

امیر الهامی
معاون اجتماعی و مشارکت‌های سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد

با درک چنین ضرورتی شهرداری مشهد در اقدامی پیشگامانه، برنامه‌ای با عنوان «سبز آموز» طراحی کرده که در آن، کودکان و نوجوانان را با مجموعه‌ای از مهم‌ترین مؤلفه‌های محیط‌زیست شهری، آشنا می‌کند. نقطه تمایز مهم این طرح آن است که این آشنایی تنها از طریق آموزش‌های کلاسی دنبال نمی‌شود، بلکه همگام با دستاوردهای علمی در این رابطه، با طراحی کمپ مفرح و جذاب، همراه با بازی و فعالیت‌های گروهی، درکی عینی و ملموس را از ضرورت موضوعات در ذهن دانش‌آموزان، ایجاد می‌کند. در گام نخست این طرح، پس از انتخاب مشاور علمی و مجرب (گروه آبانگاه)، تفاهم‌نامه‌ای سه‌جانبه توسط سازمان اجتماعی-فرهنگی شهرداری مشهد با ادارات کل محیط‌زیست و آموزش‌وپرورش استان، انجام شد و تعدادی مدرسه در مقطع ابتدایی از مناطق و طیف‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مختلف شهر مشهد انتخاب شدند تا نمونه‌ای مناسب برای دریافت بازخورد اثرات طرح نیز باشد. بر اساس ارزیابی‌های صورت‌گرفته، در گام‌های بعدی این طرح، طیف وسیع‌تری از دانش‌آموزان، زیر پوشش آموزش‌های طرح قرار می‌گیرند. کمپ ویژه طرح که در محل باغ وکیل‌آباد در منطقه ۹ شهرداری مشهد برپاشده، در پایان اسفندماه ۹۷ میزبان دانش‌آموزان دختر و پسر است که در شیفت‌های گوناگون و بر اساس زمان‌بندی مشخصی، در پارک حضور دارند و در ۴ ایستگاه آب، خاک، پسماند و تنوع زیستی، با فعالیت‌های ابتکاری و بازی‌های محیط‌زیستی، در زمان دو و نیم ساعت با این محورهای محیط‌زیستی از نزدیک ارتباط می‌گیرند و از این طریق، گام‌هایی مؤثر در جهت پیشگیری از هدررفت منابع طبیعی، آلودگی محیط‌زیستی و سایر اقدامات تخریبی برمی‌دارند. این پایان راه نیست...

یادداشت

دیکتاتوری که اسطوره شد!

در ژانویه ۱۹۲۴ لنین مُرد و استالینِ آرام، زیرک و توطئه‌گر، بر رقیبان اصلی در دفتر سیاسی مانند تروتسکی، زینویف، کامنوف، ریکوف و تومسکی غلبه کرد و در سال‌های ۱۹۲۸-۱۹۳۲ کارزار بزرگی علیه «انحراف راست» یعنی رهبران اصلی حزب، سازماندهی کرد. استالین آن‌ها را «خیانتکار، جاسوس و مدافع کولاک» نشان داد و زمینه اخراج و تبعید و نابودی آن‌ها را مهیا کرد. استالین تحمل هیچ مخالفی را نداشت و می‌گفت هر کس با من نیست، علیه من است! به همین دلیل او تعداد بی‌شماری از مخالفان را به سیبری فرستاد و یا در دادگاه‌های فرمایشی به عنوان «ضدانقلاب» محکوم و اعدام کرد، رهبرانی مانند زینوویف، کامنف، بوخارین و ریکوف اعدام شدند و تروتسکی با تبر به قتل رسید. طبق آمار رسمی منتشره در زمان گورباچف، در سال ۱۹۳۸ بین ۸۰۰ تا ۹۰۰ هزار نفر به اعدام محکوم شدند. در دوران جنگ دوم جهانی، با توجه به جنگ میهنی علیه هیتلریسم و پیروزی نظامی، کیشِ شخصیت استالین به اوج رسید. پس از جنگ او پیوسته در پی اثبات برتری رژیم شوروی به غرب بود. ناسیونالیسم شوروی و ایدئولوژی استالینیستی زمینه را مهیا کرد تا دستگاه دولتی به مبارزه ایدئولوژیک و سیاسی علیه غرب ابعاد جدیدی بخشد. در این دوران، با توجه به مشکلات اقتصادی، با رهبری اژدانف کارزار تبلیغاتی و ایدئولوژیک بزرگی علیه دشمنان داخلی و خارجی سازماندهی شد. فضای کشور و حزب دست‌خوش گرفتگی و جنگ سرد شده بود. سانسور و خودسانسوری در حزب کمونیست و جامعه مسلط بود. دادگاه‌ها با سرعت مخالفان را محکوم و دستگاه‌های تبلیغاتی در ستایش رهبر بزرگ، برنامه اجرا می‌کردند. استالین فردی پرکار، ولی تنها، بیمار و حیله‌گر بود. او قدرت مطلقه خود را با کیش شخصیت و چهره‌ای اسطوره‌ای پرداخته بود، شخصیتی که رسانه‌ها او را نابغه، مارشال پولادین شکست‌دهنده بورژوازی و فاشیسم، رهبر آموزگار «مارکسیسم علمی» و پرولتاریا معرفی می‌کردند. توتالیتاریسم متکی بر دستگاه حزبی و دولتی، حاکم شده بود و شخصیت میتولوژیک و ایدئولوژیک او افراد بی‌شماری را کور کرده بود و حزبی توتالیتر دولت و جامعه را کنترل می‌کرد. در یک‌سو جامعه معترض، پنهانی، زخم‌خورده، زنده و اندیشه‌گر قرار داشت و در سوی دیگر جامعه رسمی که در آن پرولتاریای حزبی، تکنوکرات‌ها، بوروکرات‌ها، مسخ‌شدگان و خاموشانی که تسلیم حزب و رهبرش بودند. حال آنکه چه‌بسا دیکتاتور بسیار حقیر و سنگدل باشد.

علی‌اصغر داوودی
عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد مشهد

دیکتاتور با دوری و رازپروری، خود را در ذهنیت جامعه اسطوره می‌کند و این اسطوره‌سازی با نادانی توده و عدم شجاعت نخبگان همسو می‌شود. رسانه‌ها، بلندگوهای تبلیغاتی، افراد و باندهای چاپلوس و پرطمع و تبه‌کار، شرایط را برای انحطاط و سکوت جامعه فراهم می‌آورند. دیکتاتورها نمی‌توانند بدون چاپلوس و عوام‌فریب زندگی کنند. جامعه، دیکتاتور را دیکتاتور می‌کند. مردمانی که از اندیشه انتقادی محرومند و شجاعت خود را از دست داده‌اند، قربانی روانی و اعتقادی و تهییجی دیکتاتور هستند. استالین «مارکسیسم» دولتی و بوروکراتیک خود را به یک ایدئولوژی تمامیت‌خواه تبدیل کرد و همه‌کس و همه‌چیز را بر این معیار داوری می‌کرد. ایدئولوژی او تبعیض‌گرا بود و هرگونه فاصله رفتاری نسبت به آن مورد طرد و تنبیه قرار می‌گرفت. این ایدئولوژی بر ضد آزادی و پلورالیسم بود و مطلقیت خود را اساس گردش امور می‌دانست. استالین همه مخالفان خود را «ضدانقلاب و نوکر بورژوازی» معرفی می‌کرد. توتالیتاریسم او مشروعیت خود را به علمی بودن دکترین و طبقه برتر جامعه وصل می‌کرد، دروغ و جعل و دگماتیسم اعتقادی پایه این ایدئولوژی بود. نوعا ایدئولوژی‌های توتالیتر منبع دروغ و فساد در جامعه‌اند و عامل مسخ و از خودبیگانگی اعضای جامعه به شمار می‌آیند. استالین دیکتاتور بزرگی بود، ولی دیکتاتورهای کوچک نیز در جامعه فراوان بودند. شرایط، فرصت‌ها، شبکه‌ها، لحظات تاریخی و نیز زیرکی و توانایی توطئه‌گری، دیکتاتورهای کوچک را به دیکتاتورهای بزرگ تبدیل می‌کند.

ادامه یادداشت از صفحه یک

امید، نشاط، اعتماد و شادی در دوران چهارده‌ماهه آقای مهندس تقی‌زاده خامسی، اولین شهردار منتخب لیست امید، پایه‌گذاری و هم‌اکنون تحت مدیریت جدید و جوان شهری آقای محمدرضا کلائی، شهردار پرتلاش مشهد، موج می‌زند. دیگر خبری از تابلوهای دلهره‌آور و ناامیدکننده مانند شمر، خولی و ... نیست و پیام‌های مثبت و امیدبخش فرهنگی هنری صلح و مدارا، سرسبزی میادین و معابر، المان‌های فرهنگی، شاهنامه‌خوانی و بزرگداشت توس و فردوسی، موسیقی و برنامه‌های فرح‌بخش ایام نوروزی و ... روح و جان تشنه شهروندان صاحب حق و کرامت را نوازش می‌دهد.

برای سال ۱۳۹۸ چه چشم‌اندازی را می‌توان به تصویر کشید؟

اولویت بخشیدن به منافع، وفاق و امنیت ملی از طریق درک، عزم و برنامه مشترک مسئولان عالی‌رتبه و عمل یکسان به قانون، حق و عدالت.

- پذیرش و تصحیح اشتباهات نظام و دولت که در بیانیه گام دوم رهبری نیز به آن اشاره گردیده است، از طریق اصلاح رویکردها، ساختارهای تصمیم‌سازی، وحدت رویه در اجرا، قانون‌گذاری و قضایی، به‌نحوی که موجب هم‌افزایی و پرهیز از واگرایی بین قوای سه‌گانه، قوای مسلح و رکن چهارم دموکراسی یعنی رسانه‌ها و مطبوعات گردد.

باز شدن راه گفت‌وگو و هموار کردن راه ورود شایستگان به نظام قانون‌گذاری، اجرایی، قضایی و داوری عادلانه و بی‌طرفانه در تأیید صلاحیت‌ها از طریق برگزاری انتخابات آزاد، رقابتی، سالم، امن و با مشارکت بالای مردم، شهروندان و احزاب سیاسی.

- بالا بردن ارزش پول ملی و قدرت خرید مردم و شهروندان از طریق مشاوره با اقتصاددانان، بها دادن به بخش خصوصی، اصلاح دستمزدها و قیمت‌ها، جلوگیری از اتلاف منابع، فساد و اختلاس مالی و بانکی، صرفه‌جویی در مخارج دولت و تعطیلی اجلاس‌ها و همایش‌های پرخرج و تشریفاتی، حمایت نظام‌مند از اقشار کم‌درآمد، کارکنان دولت، بازنشستگان، فرهنگیان، کارگران و سایر اقشار ضعیف و محروم جامعه.

- افزایش امید، اعتماد عمومی، نشاط و شادی در جامعه از طریق گسترش فرهنگ نوع‌دوستی، آزادی‌های عرفی اجتماعی و فرهنگی، حرمت نهادن به حقوق زنان، جوانان و رفع موانع سبک زندگی در عصر جدید، عدم سخت‌گیری نسبت به آنان، آزادی برگزاری کنسرت موسیقی به‌ویژه در شهر ملی و بین‌المللی مشهد، به رسمیت شناختن حقوق اقلیت‌های قومی و مذهب به‌خصوص تکریم برادران اهل تسنن، دگراندیشان و منتقدانی که پذیرفته‌اند در چهارچوب قانون اساسی فعالیت کنند.

- ایجاد آمادگی در مواجهه جدی، عادلانه و مستمر با مظاهر فقر، فساد، تبعیض، رانت و انحصارگرایی از طریق علاج و اصلاح ساختار و ریشه‌های معضلات فوق، عزم قوای سه‌گانه در برخورد یکسان با مصادیق مسائل فوق، استقلال در قضا و شهامت در اجرای قوانین به نحوی که هیچ حاشیه امنی برای فسادگران و رانت‌خواران باقی نماند و همه در برابر قانون یکسان باشند.

- به فرموده امام علی(ع) در هنگامه‌ای که مردم در اوج مشکلات و کمبودها به سر می‌برند، مسئولان عالی و میانی نیز باید همسان و مانند مردم زندگی کنند تا تحمل و استقامت مردم بالا برود و در صورتی که غرق امتیازات و امکانات بی‌حدوحصر زندگی اشرافی و ملوکانه شوند، باعث بروز شکاف بین مسئولان و مردم می‌شوند و در نهایت، اعتراض و خشم عمومی را برخواهد انگیخت!

این مهم از طریق حاکمیت شایسته‌سالاری، توزیع عادلانه مناصب و امکانات و اجرای عادلانه قوانین و مهربانی با مردم امکان‌پذیر است.

- شکیبایی و انعطاف بیشتر در عرصه روابط بین‌المللی در کنار حفظ عزت مردم، استقلال و تمامیت ارضی کشور، قدرت دفاعی و بازدارنده برای صلح و سازگاری عادلانه از طریق تداوم راهبرد «ترمش و مذاکره قهرمانانه»، «حفظ برجام به رغم پیمان‌شکنی دولت ترامپ»، «تقویت دیپلماسی موفق دولت آقای روحانی» و «جلوگیری از دخالت‌های غیرمسئولانه نهادهای حاکمیتی».

- و در نهایت، تقویت مدیریت شهری و پارلمان‌های شهری و محلی به عنوان تنها مزیت نسبی باقی‌مانده در عرصه اداره و مدیریت شهرها و کشور از طریق افزایش اختیارات شوراهای شهر و روستا به‌ویژه شورا و شهرداری کلان‌شهرها، تفویض اختیارات و تفکیک بین وظایف ملی و استانی، پرهیز از تمرکزگرایی دولت و مجلس و بازگشت نظام درآمد-هزینه شهرداری‌ها در قالب دریافت عوارض و دریافت بهای تمام‌شده خدمات ارائه‌شده به شهروندان (دولت‌ها برای کاهش فشار به شهروندان سالانه هزاران میلیارد به شهرداری‌ها یارانه می‌دهند) و افزایش سهم دولت از ۵۰ درصد به ۸۰ درصد در اوراق مشارکت در ساخت‌وساز قطار شهری، بافت‌های ناکارآمد و فرسوده اطراف حرم مطهر امام رضا(ع)، توجه ویژه به مناطق پیرامونی و کم‌برخوردار شهر، تقویت حمل‌ونقل عمومی و نظایر آن قادر است اعتماد و امید و نشاط آسیب‌دیده عموم مردم به کارایی و مشروعیت نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی را ترمیم و بازسازی کند و برگرداند. ان‌شاءا...